

unter die Nase reiben

jemandem (etwas) unter die Nase reiben

کسی را سرزنش و شماتت کردن

چیزی را به رخ کسی کشیدن به طوری که او را نیز سرزنش و ملامت کرده باشیم

reiben یک فعل می باشد

ساییدن ، مالیدن ، رنده کردن

rieben : گذشته ساده

haben gerieben : گذشته کامل

die Creme in die Haare reiben

آن کرم را به موها مالیدن

Kartoffeln reiben

سیب زمینی را رنده کردن

Ich reibe mich an einem Problem

من به خاطر یک مشکلی دلخور و ناراحت هستم

-Er will uns nur unter die Nase reiben, dass er eine Freundin hat und wir nicht

اون فقط می خواهد ما را سرزنش کند ، که اون یک دوست دختر داره و ما نداریم

-Du meinst, du hast keine

منظورت اینه که خودت دوست دختر نداری!!!

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

schieflaufen

schieflaufen - schiefgehen

اتفاق یا کاری که درست از آب در نیامده ، به جایی نرسیده ، خوب پیش نرفته

Was ist schiefgelaufen?

Was ist schiefgegangen?

چه اتفاقی درون من افتاده؟

چه چیزی درست از آب در نیامده؟

چه چیزی خوب پیش نرفته؟

beim Projekt war alles schiefgelaufen

هیچ چیز در پروژه درست پیش نرفته بود

-Wow, was ist schiefgelaufen?

واوو ، چه اتفاقی درون من افتاده؟

-Ich verstehe schon. Sie waren niemals verliebt

الان فهمیدم ، شما هیچ وقت (هرگز) عاشق نبودید.

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de